

ویژگی های اقتصادی - اجتماعی زنان شاغل در بخش غیررسمی (مورد: منطقه ۲ شهر رشت)

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۴/۱۱/۲۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۰۵/۱۳

مریم جعفری مهرآبادی (استادیار، گروه جغرافیا برنامه ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران)
ربابه محمدزاده* (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا برنامه ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان؛ رشت، ایران)

چکیده:

با رشد فزاینده جمعیت شهری، اشتغال غیررسمی بخشی جدایی ناپذیر از اقتصاد هر شهر است که به عنوان منبع امرار معاش خانواده های فقیر شهر محسوب می شود. سهم قابل توجهی از نیروی کار غیررسمی در سراسر جهان، فروشندگان خیابان هستند که در فضاهای عمومی شهر، اقدام به فروش کالا می کنند. تعداد زیادی از این شاغلان در بخش غیررسمی را، زنان تشکیل می دهند. در پژوهش حاضر دست فروشی زنان در خیابان (فروشندگی محصولات در خیابان) به عنوان یکی از مشاغل غیررسمی مورد بررسی قرار گرفته است. هدف تحقیق شناسایی ویژگی های اجتماعی- اقتصادی زنان شاغل در بخش غیررسمی منطقه دو شهر رشت، خیابان های مستعد دست فروشی در این منطقه و نیز زادگاه و محل سکونت این زنان بوده است. روش پژوهش پیمایشی و با رویکرد توصیفی- تحلیلی بوده و گردآوری داده ها با استفاده از ابزار پرسشنامه و مصاحبه صورت گرفته است. نتایج حاصل از تحقیق گویای موارد ذیل می باشد:

اکثر زنان شاغل در بخش غیررسمی محدوده مورد مطالعه بی سواد هستند و یا فقط سواد خواندن و نوشتن دارند؛ محل سکونت بیش تر آنها در روستاهای اطراف شهر رشت است؛ بیش تر زنان مورد مطالعه در گروه سنی ۴۰ تا ۵۹ سال قرار دارند؛ شغل اکثریت آنها به عنوان تنها منبع درآمد خانواده محسوب می شود؛ بیش از نیمی از جمعیت مورد مطالعه به فروش سبزیجات و مواد غذایی فاسد شدنی مشغول هستند؛ به ترتیب خیابان های سردار جنگل، مطهری و شریعتی بیش ترین جمعیت زنان فروشنده خیابان را در خود جای داده اند؛ زادگاه اکثریت آنها روستا می باشد.

واژه های کلیدی: اشتغال غیررسمی، زنان، ویژگی های اقتصادی- اجتماعی، رشت

* نویسنده رابط؛ anita_mohammadzadeh@yahoo.com

۱- مقدمه:

با پیش‌بینی‌های صورت گرفته مبنی بر اینکه تا سال ۲۰۳۰ حدود ۵ میلیارد نفر از ۸/۱ میلیارد نفری دنیا در شهرها ساکن خواهند بود که حدود دو سوم این جمعیت مربوط به شهرهای کشورهای در حال توسعه خواهد شد (مشکینی و موذن، ۱۳۹۴: ۱۰۰). در طول سه دهه گذشته با توجه به افزایش جمعیت جهان، کسب درآمد از طریق خود اشتغالی در اقتصاد غیررسمی نیز افزایش یافته است، که در درجه اول افزایش قابل توجه جمعیت شهرنشین باعث فزونی فقر در این مناطق و در نتیجه افزایش گرایش به این مشاغل شده است (Tomal and Johanson, 2008: 71). در واقع افزایش مهاجرت به شهرها و افزایش جمعیت شهری و کمبود مشاغل رسمی برای جمعیت موجود در شهرها باعث روی آوردن افراد به اشتغال غیررسمی شده است. این افراد با سرمایه اندک خود، اقدام به ایجاد شغل می‌کنند.

طی سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۰۵ و ۲۰۰۴، مقایسه‌ای بین مشاغل غیررسمی و رسمی توسط سازمان بین‌المللی کار^۱ و بارون^۲، صورت گرفته که نتایج حاکی از این است که شغل غیررسمی در مقایسه با هم‌تایان رسمی خود، فقدان قوانین استاندارد، مالیات بر درآمد و حمایت اجتماعی را دارد، درآمد آن پایین‌تر است، کارکنان آن از مزایایی مانند خدمات پزشکی، مرخصی استعلاجی، مرخصی تعطیلات، رفع خستگی، تغذیه، بیمه و ساعت کار محروم هستند. مشاغل غیررسمی، کارهای کوتاه مدتی هستند که مقررات کار در آن اعمال نمی‌شود یا اینکه این مقررات در آنها قابل اجرا نیستند و یا به دلایل دیگر در این مشاغل از قوانین کار پیروی نمی‌شود. بهره‌وری پایین، استفاده از روش‌های تولید که اغلب به محیط زیست ضرر می‌رسانند، از مشخصات اشتغال غیررسمی است. حضور گسترده زنان کارگر و گاهی اوقات کودکان کار در این بخش دیده می‌شود (Nastiti et al, 2012: 114).

بدیهی است اقتصاد غیررسمی مرتبط با اقتصاد رسمی است و در مجموع کمکی برای اقتصاد می‌باشد. به رسمیت شناختن اقتصاد غیررسمی یک راه کلیدی برای کاهش فقر و نابرابری است. به طور خاص، زنان تمایل بیش‌تری برای اشتغال در اشکال مختلف اشتغال غیررسمی دارند، حمایت از کار زنان فقیر شاغل در اشتغال غیررسمی یک مسیر

¹ ILO

² Baron, S.L

کلیدی برای کاهش فقر و نابرابری جنسیتی زنان است (Vanek, et al, 2014: 3). در واقع با وجود بحران های اقتصادی و افزایش جمعیت، حضور زنان در این بخش، کمکی برای کاهش بار سرپرستی مردان در خانواده و کاهش فشار اقتصادی بر آنان است. در نتیجه در کشورهای در حال توسعه، زنان بیش تری در بخش غیررسمی شاغل هستند (به عنوان مثال بیش از ۵۰ درصد آن را تشکیل می دهند). که فروشنده‌گی در خیابان و تولید خانگی (تولید بدون خروج از محدوده خانه) شایع ترین شکل کار زنان در این بخش می باشد (V. Ramani, et al, 2013: 1).

فروشنده‌گان خیابانی بخشی جدایی ناپذیر از اقتصاد شهری در سراسر جهان هستند، که طیف گسترده ای از کالاها و خدمات را به آسانی در فضاهای عمومی ارائه می دهند (Roever, 2012: 1). از آنجا که این دسته از شاغلین نمود قابل توجهی در سطح شهر دارند و از طرفی زنان به عنوان بخش قابل توجهی از شاغلین این بخش مطرح هستند، بنابراین بررسی و مطالعه ویژگی های زنان شاغل به عنوان فروشنده‌گان در خیابان از اهمیت قابل توجهی برخوردار است.

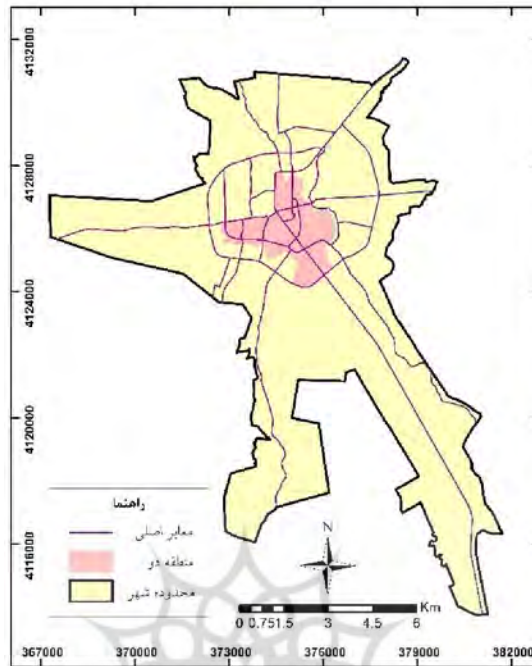
باتوجه به اینکه در بسیاری از شهرهای شمال کشور بخش قابل توجهی از شاغلان غیررسمی را زنان تشکیل می دهند، بنابراین در این تحقیق اشتغال زنانی که شغل غیررسمی آنان در سطح شهر رشت نمود دارد، مورد بررسی قرار گرفته است. طبق دسته بندی که ذکر شد می توان آنها را در دسته فروشنده‌گان خیابان طبقه بندی کرد. مانند: فروشنده‌گان سبزیجات تازه، غذاهای محلی و... . محدوده مورد مطالعه این پژوهش منطقه دو شهر رشت می باشد. به دلیل وجود بازار بزرگ رشت به عنوان مهم ترین کانون تجاری شهر در این منطقه تعداد زیادی از زنان به عنوان فروشنده خیابان (دست فروش) روزانه محصولات باغی خود را در این بازار به فروش می رسانند.

این پژوهش بر آن بوده است ضمن تأکید بر ویژگی های اجتماعی و اقتصادی زنان شاغل در بخش غیررسمی منطقه دو شهر رشت و نیز مشکلات موجود آنان برای کار در خیابان، محدوده های شهری دارای جذابیت بیش تر برای انتخاب زنان به عنوان محل فروش محصولاتشان را شناسایی کرده و نیز بازنمایی فضایی حضور زنان فروشنده غیررسمی محصولات در سطح شهر را نشان دهد؛ تا بتوان بر اساس یافته های اکتشافی تحقیق، به تحلیلی منطقی از وضعیت حضور زنان شاغل در بخش غیررسمی در سطح شهر، دست یافت.

- سئوالاتی که این پژوهش در پی پاسخ گویی به آنها بوده است، عبارتند از:
- ۱- زنان شاغل در بخش غیررسمی منطقه دو شهر رشت از نظر اجتماعی و اقتصادی دارای چه خصوصیتی هستند؟
 - ۲- کدام محدوده ها از منطقه دو شهر رشت، بیش تر از بقیه نقاط مستعد فعالیت های اقتصادی غیر رسمی زنان (فروشنندگان خیابان) است؟
 - ۳- زادگاه و محل سکونت زنان بخش غیررسمی منطقه دو شهر رشت (فروشنندگان خیابان) کدام مناطق است؟

۲-۱- محدوده مورد مطالعه

رشت، مرکز استان گیلان در شمال ایران و مرکز شهرستان رشت است. این شهر همچون بزرگ ترین و پرجمعیت ترین شهر شمال ایران در بین سه استان حاشیه‌ای دریای خزر محسوب می‌شود (ضابط محبوب و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰). رشت به عنوان اولین و بزرگ ترین نقطه شهری استان و حاشیه ی جنوبی دریای خزر و به عنوان یکی از شهرهای بزرگ کشور در رده جمعیتی ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون نفری قرار دارد و مرکز سیاسی- اداری استان گیلان محسوب می شود (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۵). این شهر از جمله شهر های مهاجر پذیر در استان گیلان محسوب می شود که همین امر بر سرعت رشد جمعیت در این شهر نسبت به سایر نقاط استان افزوده است. طبق تقسیم بندی های شهرداری شهر رشت، این شهر به ۵ منطقه تقسیم شده؛ که منطقه مورد بررسی در این تحقیق منطقه ۲ می باشد. در منطقه بندی پنجگانه جدید شهر رشت، منطقه دو با وسعتی برابر ۶۷۵ هکتار، حدود ۵/۶ درصد از مساحت کل شهر را داراست و با جمعیت ۱۲۳۵۹۹ نفر، حدود ۲۰ درصد از جمعیت شهر رشت را شامل می شود. تفاوت نسبتاً زیاد میان مساحت و جمعیت منطقه، نسبت به کل شهر، نشانگر توزیع نامتعادل جمعیت در داخل منطقه می باشد که ناشی از وجود بافت فرسوده و متراکم منطقه است. طبق منطقه بندی جدید، محله های قدیمی شهر، که قدمتی حداقل ۴۰۰ ساله دارند و جز هسته‌های اولیه شهر محسوب می شوند، در منطقه دو قرار گرفته است (پورتال منطقه دو شهرداری رشت) (شکل شماره ۱).



شکل شماره ۱- موقعیت محدوده مورد مطالعه در شهر رشت

۳-۱- پیشینه تحقیق

در ارتباط با موضوع مورد پژوهش و اشتغال زنان در بخش غیر رسمی در ایران مطالعاتی صورت گرفته که به اختصار برخی از آنها اشاره می شود:

- اسفندیاری و همکاران در سال ۱۳۹۲ پژوهشی با عنوان "اقتصاد غیررسمی، خانه داری زنان و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی زنان متأهل شهر اهواز)" انجام دادند. که در این پژوهش ارزش افزوده ایجاد شده توسط زنان خانه دار در طول یک سال محاسبه شد و به بهره مندی از امنیت رفاهی آنان در دوران پیری اشاره شد (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۹۲).

- نوری و همکاران در همان سال پژوهشی با عنوان "تحلیل فضایی شاخص های عمده اشتغال زنان در کشور" را انجام دادند و با استفاده از ۱۶ شاخص موثر در اشتغال زنان، استان هایی که از لحاظ اشتغال وضعیت مطلوب دارند، مشخص شدند (نوری و همکاران، ۱۳۹۲).

- رنانی و همکاران در سال ۱۳۹۰، پژوهشی با عنوان "شناخت ساختار اشتغال زنان در بخش غیررسمی کشور" را انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که اکثریت زنان شاغل غیررسمی در بخش صنعت شاغل هستند و هرگونه سیاست گذاری در زمینه اشتغال باید با ملاحظه بخش غیررسمی صورت گیرد (رنانی و همکاران، ۱۳۹۰).

- جمالی و همکاران در سال ۱۳۸۸ پژوهشی با عنوان "بررسی ویژگی های اجتماعی- اقتصادی شاغلان بخش غیررسمی در مادرشهر تبریز (نمونه موردی: سبزه میدان)" انجام داده اند که در این تحقیق دلایل شکل گیری بخش غیررسمی در سطح کلان شهر تبریز مطرح شده و همچنین پیش بینی شده که نادیده گرفتن بخش غیررسمی از طرف مسؤولین بحران های اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی را سبب می گردد (جمالی و همکاران، ۱۳۸۸).

در سایر کشورها مطالعاتی که تاکنون در خصوص حضور زنان در بخش غیررسمی شهر صورت گرفته اغلب به بررسی وضعیت اقتصادی زنان شاغل در این بخش، تفاوت درآمدی زنان و مردان و همچنین تأثیر توسعه یافتگی کشور در نوع فعالیت زنان در بخش غیررسمی پرداخته اند. از جمله مطالعاتی که درخصوص موضوع مورد تحقیق، انجام شده است می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ماهادویا،^۱ وایاز^۲ و میشر^۳ در سال ۲۰۱۴، پژوهشی با عنوان "فروشنندگان خیابان در احمدآباد، هند" انجام دادند. در این پژوهش به بررسی وضعیت فروشنندگان خیابان در شهر احمدآباد پرداخته شد و پیشنهادهایی نظیر: اختصاص ۲ درصد از زمین های عمومی شهر به بازارهای طبیعی برای فروشنندگان خیابان، اختصاص بازارهای ویژه برای فروشنندگان زن و ... ارائه شد (Mahadevia, et al, 2014).

- گروه پیمایش^۴ اقتصاد غیررسمی (IEMS)^۵ در گزارشی با عنوان فروشنندگان خیابان^۶ به سرپرستی سالی راور^۷ در سال ۲۰۱۴ به ارائه گزارش اختصاصی در زمینه زنان و فروشنندگان خیابانی^۸ در ۵ شهر آکرا (غنا)^۹، احمدآباد (هند)^{۱۰}، لیما (پرو)^{۱۱}، ناکورا

¹ Darshini Mahadevia

² Suchita Vyas

³ Aseem Mishra

⁴ Monitoring Survey

⁵ IEMS (informal economy Monitoring Survey)

⁶ Street Vendors

⁷ Sally Roeber

⁸ Street Vendors

⁹ Accra (Ghana)

¹⁰ Ahmedabad (India)

¹¹ Lima (Peru)

(کنیا)^۱ پرداختند. روش انجام این تحقیق، کار میدانی بوده و این نتایج حاصل شد که سهم زیادی از زنان به عنوان فروشنده خیابانی، به فروش کالاهای فاسد شدنی می پردازند و به طور معمول درآمد زنان فروشنده خیابانی کم تر از مردان و در بسیاری از کشورها نصف درآمد مردها بوده است. کم بودن موانع ورود و هزینه های شروع کار محدود و ساعت های کاری انعطاف پذیر، باعث جذب افراد به این شغل شده و بسیاری هم به دلیل اینکه شغل مناسبی در اقتصاد رسمی پیدا نکرده اند وارد این شغل شدند. فروشندگان خیابانی به خصوص کسانی که سبزی و میوه تازه می فروشند، داشتن یک مکان ناامن کار، عدم پس انداز و یا صدمه به اموال را از مشکلات کار در خیابان عنوان کردند (Roever, 2014).

- مارتا آلترچن^۲ در سال ۲۰۱۳ پژوهشی با عنوان " زنان در بخش غیررسمی: تصویر جهانی، جنبش جهانی" در موسسه ویگو^۳ انجام داد. وی در این تحقیق به تفاوت درآمدی بین زنان و مردان در بخش غیررسمی اشاره کرد و اذعان داشته است که اکثر زنان در سراسر جهان در این بخش، درآمد کمی دارند (Alter Chen, 2013).

- تومال و جانسون^۴ در سال ۲۰۰۸، در مجله پی گاما مو^۵، مقاله ای با عنوان "سود برای زنان و مردان خوداشتغال در اقتصاد غیررسمی: نمونه موردی: بوگوتا، کلمبیا"^۶ منتشر کردند. در این مقاله دو هدف دنبال شد: اندازه گیری فاصله درآمد بین زنان و مردان و شناسایی عوامل درآمدزا برای این دو گروه در بوگوتا کلمبیا. آنها به این نتیجه رسیدند که افرادی که وام های کوچک دریافت کرده بودند در مقایسه با سایر افراد درآمد بهتری در بخش غیررسمی داشته اند (Tomal and Johanson, 2008).

در مقاله حاضر با محور قرار دادن زنان شاغل در بخش غیررسمی شهر رشت، علاوه بر بررسی ویژگی های اجتماعی و اقتصادی آنان، نمود فضایی حضور زنان در شهر (مناطق شهری مستعد اشتغال زنان دست فروش) نیز نشان داده شده است.

¹ Bangkok (Thailand)

² Martha Alter Chen

³ Women in Informal Employment: Globalizing and Organization (WIGO)

⁴ Annette Tomal and Lacey Johnson

⁵ Pi Gamma Mu

⁶ Bogota, Colombia

۲- مفاهیم و مبانی نظری :

۲-۱- بخش غیررسمی اقتصاد

در سال های اخیر، بسیاری از تحلیل گران، اشتغال شهری در جهان سوم را به دو بخش غیررسمی (سنتی) و رسمی (مدرن) تقسیم کرده اند. بخش سنتی به قبل از نفوذ سرمایه داری و بخش مدرن به بعد از آن و استفاده از فناوری های پیشرفته و ظهور فعالیت های پیچیده حرفه ای و دولتی مربوط می شود (Bromley, 1978: 1033). به طور کلی مفهوم بخش غیررسمی از دهه ۷۰ میلادی توسط کیت هارت^۱ رایج شد. کیت هارت (۱۹۷۱، ۱۹۷۳) که یک مردم شناس اجتماعی است اولین پژوهشگری بود که بخش غیررسمی (در جهان سوم) را وارد ادبیات علمی کرد. وی بخش غیررسمی را قسمتی از نیروی کار شهری می دانست، که در خارج از بازار کار رسمی فعالیت می کنند. هارت بخش غیررسمی را تقریباً مترادف با گروه های (کوچک) و افراد خود اشتغال^۲ می دانست. پس از آن به راههای کسب درآمد برای زندگی در خارج از درآمد رسمی، چه به عنوان یک جایگزین برای آن و یا به عنوان مکمل درآمد استفاده شد (Gëruxhani, 1999: 2). به رغم کارهای اولیه هارت، پژوهش های زیادی در زمینه بخش غیررسمی در گزارش دفتر بین المللی کار در کنیا مطرح شد (ILO, 1972). طبق این گزارش، بخش غیررسمی عمدتاً بوسیله اجتناب از مقررات و مالیات دولت مشخص می شود. در ابتدا، سازمان بین المللی کار هدف اصلی بخش غیررسمی را امرار معاش خانواده مطرح کرده است. که مربوط به اثرات مثبت بخش غیررسمی برای ایجاد شغل و توزیع درآمد است. طبق استدلال این سازمان حل مشکلات بخش غیررسمی تنها در صورتی ممکن است که مسائلی مانند روابط اشتغال و نابرابری حل می شود (Gëruxhani, 1999: 2). سازمان بین المللی کار هفت ویژگی را برای بخش غیررسمی مطرح کرده است که عبارتند از: آزادی ورود و خروج از فعالیت بازار، اتکا بنگاه به منابع مالی داخلی (داخل بنگاه یا خانوار)، کوچک و محدود بودن عملیات و فعالیت ها (کوچک مقیاس)، کاربر بودن روش تولید و فناوری مورد استفاده، کسب مهارت ها خارج از سیستم آموزش رسمی (مهارت مبتنی بر تجربه نه دانش)، وجود بازارهای رقابتی و فاقد کنترل (رنانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۱، به نقل از: جی جی و همکاران، ۱۳۷۶)

در واقع بخش غیررسمی، کالاها و خدماتی را تولید می کند که ماهیت، تولید و مبادله آنها قانونی است. فعالیت های این بخش نیز یا به صورت ثبت شده اما غیر قابل

¹ Keith Hart

² self-employed

نظارت توسط دستگاه های دولتی می باشد و یا به صورت فعالیت های ثبت نشده است که مبادلات بنگاه ها در آن به صورت قانونی انجام می گیرد. برای مثال خدمات جزئی (سیگار فروشی)، تولیدکنندگان جزئی (کارگاه های کوچک)، خدمات حمل و نقل (مسافرکشی)، دلالی و خدمات خانگی و سایر فعالیت های همراه با فرار از مالیات، فرار از قوانین و مقررات (حداقل دستمزد، سقف و کف قیمت و قوانین مربوط به استانداردها) و فرار از پرداخت های بیمه اجتماعی، در بخش غیررسمی جای می گیرد. علت کنار گذاشتن بخش غیررسمی در حساب های ملی، عمدتاً ناشی از دشوار و پرهزینه بودن جمع آوری اطلاعات آماری در این بخش است. نکته قابل توجه در مورد بخش غیررسمی این است که کالاها و خدمات تولیدی توسط این بخش و نیز مصرف آنها منع قانونی ندارد و کاملاً مجاز است (رنانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۲، به نقل از: جی جی و همکاران، ۱۳۷۶).

هدف اصلی در بخش غیررسمی کسب درآمد با توجه به سرمایه اولیه اندک و عدم نیاز به تخصص و بیمه و مالیات و همچنین استفاده از منابع موجود است. در سال های اخیر با گسترش شهرنشینی و افزایش مهاجرت به شهرها به خصوص در کشورهای در حال توسعه شاهد گسترش بخش غیررسمی بودیم. بنابراین پیدایش و گسترش بخش غیررسمی در دهه های اخیر که کم و بیش معاش بخش بزرگی از جمعیت مناطق شهری کشورهای در حال توسعه را تأمین کرده، واکنش اقتصادی این گروه به ناسازگاری راهبردهای توسعه اقتصادی با شرایط بومی، به ویژه امکانات محیطی، فنی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه بوده است (جمالی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۹، به نقل از: محمدبیگی، ۱۳۷۴).

در جهان امروزی اکثریت چشمگیری از مردم قادر به یافتن کارهای شرافتمندانه و یا شروع کارهای تجاری در بازارهای رسمی اقتصاد و کار نیستند و ناچاراً به فعالیت های غیررسمی روی می آورند. به طور کلی کمبود کار شایسته از مشخصات بارز علل گسترش بخش غیررسمی می باشد (صفایی گنجین، ۱۳۸۴: ۴۵). در واقع گسترش شهرنشینی از یک سو و عدم افزایش تولید شغل مناسب با آن از سوی دیگر، گسترش بخش غیررسمی را در اقتصاد به دنبال داشته است. همچنین از دیگر عوامل مؤثر در روی آوردن افراد به اقتصاد غیررسمی، افزایش سطح عمومی قیمت ها و یا تورم می باشد. این موضوع در کشور ما که سالیان بسیار تورم گریبان اقتصاد آن است، اهمیت بیش تری دارد (سلیمی فر و کیوانفر، ۱۳۸۹: ۳).

۲-۲- زنان و بخش غیررسمی

در طی تاریخ بشر، زنان همپای مردان در تولیدات مختلف فعالیت داشته اند و همواره بخش مهمی از نیروی کار تولیدی را چه در روستاها و چه در شهرها تشکیل داده اند. آن ها در تولید اقتصادی و اجتماعی سهیم بوده اند، ولی متأسفانه در آمارهای اقتصاد کلان به آن ها آنچنان که شایسته است توجه نشده است. از آنجا که توسعه همه جانبه یک جامعه با به کارگیری نیروهای فعال آن ممکن است و زنان نیز نیمی از نیروهای مذکور را تشکیل می دهند، در عین حال تأمین امنیت اقتصادی خانواده به عنوان یکی از بخش های مهم اقتصادی و تأثیرگذار بر جامعه مطرح می شود (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲، به نقل از: ملکی، ۱۳۷۷).

اشتغال زنان از اوایل دوره صنعتی و به خصوص بعد از جنگ جهانی دوم به نحو چشمگیری افزایش یافته است. رشد اشتغال زنان از آن پس (بعد از پایان جنگ جهانی دوم) با گسترش مشاغل خدماتی ارتباط نزدیک داشته است که در بخش خدمات بیش تر از سایر بخش ها و بخصوص مشاغل حرفه ای و مدیریتی بوده است. مشاغلی که دستمزدهای اندک دارند و فرصت کمی برای پیشرفت و ترفیع شغلی وجود دارد.

حضور زنان در بخش غیررسمی در سراسر جهان زیاد است. این واقعیت اساسی چند جنبه دارد، اول اینکه بخش غیررسمی منبع اصلی اشتغال زنان در بسیاری از کشورهای در حال توسعه است. اطلاعات موجود نشان می دهد در کشورهای در حال توسعه اکثریت زنان فعال اقتصادی، در بخش غیررسمی مشغول اند. ، دوم اینکه بخش غیررسمی برای زنان در مقایسه با مردان شغل بیش تری ایجاد می کند. در بسیاری از کشورها نسبت زنان کارگر در بخش غیررسمی بیش از مردان است، سومین جنبه از حضور زنان در بخش غیررسمی این است که طبق آمار موجود در کشورهای در حال توسعه به ازای هر ۲۱ نفر زن، ۹ نفر مرد کل کار غیر کشاورزی را انجام می دهند (Alter, Chen, 2013: 22).

مشارکت زنان در بازار کار ناشی از انگیزه های متفاوتی است که در جوامع گوناگون، گاه مشترک و گاه متضاداند.

صاحب نظران دو انگیزه روانی و اقتصادی را در اشتغال زنان، مهم و موثر می دانند که با توجه به فرهنگ، سطح سواد و طبقه اجتماعی متغیر است (نساجی، ۱۳۸۴: ۳). می توان گفت اکثر زنان شاغل در بخش غیررسمی برای کمک به وضع اقتصادی خانواده، خواسته یا ناخواسته هر شغلی را حتی با دستمزد کم می پذیرند. در واقع زنان به دلیل احساس مسؤولیت نسبت به اعضای خانواده خواستار کمک به کسب درآمد خانواده

هستند و اغلب آنان به دلیل کمبود فرصت اشتغال در بخش رسمی وارد بخش غیررسمی می شوند. به علاوه اغلب آنها فاقد تحصیلات و مهارت های لازم برای اشتغال در بخش رسمی هستند. عوامل متعدد دیگری نیز وجود دارند که زنان را مجبور به اشتغال در بخش غیررسمی و مشارکت در سایر فعالیت های کم درآمد می کند. تبعیض های جنسیتی در بازار کار، عوامل فرهنگی در بعضی از کشورها که قابلیت جابه جایی زنان را کاهش می دهند، مسؤولیت پذیری زنان نسبت به خانواده و فرزندانشان-منجر به این می شود زنان مشاغل خانوادگی را ترجیح دهند- و کمبود خدمات مراقبت از کودک و پرستاری با قیمت مناسب از جمله این عوامل می باشد (رنانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۴، به نقل از: اسکاپ^۱، ۲۰۰۶).

به نظر می رسد بسیاری از افرادی که در بخش غیررسمی اشتغال دارند جزء طبقات فقیر جامعه محسوب می شوند. آلترچن^۲ (۲۰۱۳) می نویسد: نوعی تداخل میان اشتغال در اقتصاد غیررسمی و بضاعتهای مالی وجود دارد، درصد زیادی از افراد شاغل در بخش غیررسمی نسبت به بخش رسمی بی بضاعت ترند. این تداخل در مورد زنان شدیدتر از مردان می باشد. وی در ادامه اشاره می کند که در هر صورت هیچ ارتباطی میان اشتغال در بخش غیررسمی و بضاعتهای مالی وجود ندارد. به طور معمول شاغلین غیررسمی از مصونیت های اجتماعی که مختص شاغلین بخش رسمی است، مانند مساعدت و بیمه های درمانی، برخوردار نیستند، چراکه آنها معمولاً با قراردادهای نامنظم و بی ثبات مشغول به کار می شوند (Alter Chen, 2013: 5).

۲-۳- انواع مشاغل زنان در بخش غیررسمی

شرکت زنان در فعالیت های اقتصادی از آغاز پیدایش بشر واقعیتی انکار ناپذیر بوده است و از قدیم الایام زنان سهم عمده ای در تولید ملی داشته اند. معذالک کار آنان از بسیاری جهات متفاوت با کار مردان بوده و مسیری جدا از اشتغال مردان داشته است که از آن جمله می توان به نوع کار، ساعات کار، میزان دستمزد، سال های شروع به کار، بازنشستگی و نوع مسؤولیت ها اشاره کرد (کاظمی پور، ۱۳۸۵: ۲۳). سالی راور^۳، در سال

¹ Escap

² Martha Alter Chen

³ Sally Roever

۲۰۱۴، در گروه پیمایش اقتصاد غیررسمی^۱ گروه‌های عمده شغلی زنان در بخش غیررسمی شهری در سراسر جهان موارد زیر طبقه بندی کرد: فروشندگان خیابانی^۲، کارگران خانگی^۳، جمع کننده های زباله^۴، کارگران ساختمانی^۵، کارگران بخش پوشاک^۶، کشاورزان خرده پا^۷، کارگران حمل و نقل^۸ (Roever, 2014). ولی این تقسیم بندی کلی می باشد و حضور زنان در بازار کار بر حسب اوضاع محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر کشور متفاوت بوده و به عنوان عوامل گوناگونی از جمله سطح تحصیلات زنان، سیاست های دولت در جهت تقویت سطح آموزش و اشتغال زنان، توزیع درآمد و هزینه خانوار، نرخ بیکاری، نرخ باروری، شرایط محیطی خانواده و سایر عوامل فرهنگی و اجتماعی بستگی دارد (نامدار، ۱۳۸۹: ۱۰۶).

۲-۴- فروشندگان در خیابان

فروشندگان خیابانی بخشی جدایی ناپذیر از اقتصاد شهری در سراسر جهان هستند، که طیف گسترده ای از کالاها و خدمات را به آسانی در فضاهای عمومی ارائه می دهند (Roever, 2014: 1).

در واقع این فروشندگان مجموعه بسیار متنوعی از کارگران غیررسمی شهری هستند. مناطق انتخابی دست فروشان شامل نواحی بازاری فروش محصولات طبیعی و محلی^۹، پیاده روها، مراکز و پایانه های حمل و نقل می باشند، به عنوان مثال آنها در بسیاری از انواع مختلف از فضاهای عمومی در ساعات مختلف روز، در روزهای مختلف هفته و در فصول مختلف سال کار می کنند. برخی از این فروشندگان محل کار خود را در طول روز تغییر می دهند و گاهی اوقات یک مکان در طول روز، محل کار چندین فروشنده مختلف است (Roever, 2011: 1). به طور کلی آنها محل کسب خود را در خیابان های قدیمی، خیابان هایی که موقعیت استراتژیک در شهر با تعداد عابر پیاده ثابت

¹ informal economy Monitoring Survey

² Street Vendors

³ Home-Based Workers

⁴ Waste Pickers

⁵ Construction Workers

⁶ Garment Workers

⁷ Smallholder Farmers

⁸ Transport Workers

⁹ natural market areas

دارد، که اغلب در مناطق تجاری مرکزی و یا خیابان های شلوغی که در نزدیکی تقاطع ها وجود دارند، انتخاب می کنند (Roever, 2014: 1). رقابت بین فروشندگان برای تصاحب مکان بهتر برای فروش کالا و همچنین رقابت برای فروش محصولات با قیمت کم تر، با توجه به عدم اطمینان از فروش کالا آنها ترجیح می دهند که سود کم تری از کالاها داشته باشند (Mahadevia, et al, 2014: 20). خدماتی که این فروشندگان در سطح شهرها ارائه می دهند با توجه به عوامل مختلفی مانند شرایط طبیعی و اقتصادی و حتی فرهنگی شهر متفاوت خواهد بود. با توجه به این مسأله راور در سال ۲۰۱۴، فعالیت هایی که فروشندگان خیابانی در سراسر جهان مشغول به آن می شوند را انواع کلی زیر مشخص کرد: تولید و یا تبدیل کالا در خانه و فروش آنها را در خیابان ها به صورت عمده فروشی و فروش در مکان های گوناگون، ارائه طیف وسیعی از خدمات از جمله خیاطی، سنگ تراشی، آرایش مو، تیز کردن چاقو، نجاری، امنیت خودرو، تعمیرات کامپیوتر، حسابداری، کفش، ویرایش و درمان فیزیکی است. همچنین در این تحقیق عنوان شد که زنان تقریباً دو برابر مردان به فروش سبزیجات و میوه جات تازه می پردازند (همان، ۲).

فروشندگان خیابان یکی از بزرگ ترین و قابل رویت ترین بخش از اقتصاد غیررسمی را شامل می شوند. اگرچه آنها در مناطق شهری (خیابان ها و پیاده روها) در سراسر جهان به کار مشغول هستند ولی تعداد واقعی این افراد به عنوان فروشندگان خیابان، ناشناخته است (Roever, 2011:1). در نتیجه به علت عدم وجود آمار رسمی از تعداد فروشندگان خیابان (دست فروش) همواره کار تحقیق در این بخش با مشکلاتی همراه بوده است. در واقع توسعه آمار در اقتصاد غیررسمی برای بهبود آمار نیروی کار و حساب های ملی کمک می کند. اقتصاد غیررسمی نقش مهمی برای ایجاد اشتغال، ایجاد درآمد و کاهش فقر در بسیاری از کشورها به ویژه در کشورهای در حال توسعه ایفا می کند. آمار در اقتصاد غیررسمی به عنوان یک ابزار مبتنی بر شواهد برای تحقیق و سیاست گذاری مورد نیاز است. که باعث افزایش دید نسبت به بسیاری از کارگران در اقتصاد غیررسمی و مشارکت اقتصادی آنان می شود (Husmanns, 2004: iii).

۳- روش بررسی:

روش پژوهش در این مطالعه از نوع توصیفی- تحلیلی و برای گردآوری داده ها از دو روش کتابخانه ای و میدانی استفاده شده است. در روش کتابخانه ای، با مطالعه پژوهش های مرتبط به منظور تعریف مسأله و شناخت ابعاد آن استفاده شده است و با

استفاده از روش میدانی و ابزار پرسشنامه و مصاحبه در فصل بهار سال ۱۳۹۴ و مطالعات اکتشافی به شناخت ویژگی های اجتماعی، اقتصادی و همچنین مکان های جاذب برای اشتغال زنان شاغل در بخش غیررسمی (به طور خاص: زنان دست فروش) منطقه دو شهر رشت پرداخته شده است. منطقه مورد مطالعه، ۶/۵ درصد از مساحت کل و ۲۰ درصد از جمعیت کل و محدوده بازار اصلی شهر را دربر گرفته است. با توجه به موجود نبودن آمار دقیق از تعداد زنان مورد مطالعه در این بخش، اقدام به تکمیل پرسشنامه و انجام مصاحبه با همه زنانی که در محدوده مورد نظر به فروش محصولات خود می پرداختند (۵۴ نفر) شده است، لازم به ذکر است در این تحقیق ۵۸ نفر از زنان شاغل در بخش غیررسمی در منطقه دو شهر رشت شناسایی شده اند که ۴ نفر از آنها تمایلی به انجام مصاحبه و تکمیل پرسشنامه نداشته‌اند. برای تجزیه تحلیل داده ها نیز از نرم افزار Excel و همچنین برای نمایش محدوده اشتغال زنان در این منطقه و زادگاه و محل سکونت آنان از نرم افزارهای Arcmap و Autocad استفاده شده است.

۴- نتایج و بحث:

نتایج این بررسی، مبتنی بر مطالعه موردی زنان شاغل در بخش غیررسمی شهر رشت (منطقه دو) بوده است.

۴-۱- مشخصات فردی زنان مورد مطالعه

در بخش مشخصات فردی زنان مورد مطالعه، سن، وضعیت تحصیلی، وضعیت تأهل، محل تولد، محل سکونت و وضعیت تحصیلی همسران آنان مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج چند مورد از آنها به اختصار ذکر می شود:

در جمعیت مورد بررسی جوان ترین آنها ۲۷ سال و مسن ترین آنها ۶۸ سال داشتند و ۳۲ نفر (معادل ۵۹/۲۶ درصد) از آنها در گروه سنی ۴۰ تا ۵۹ سال بودند.

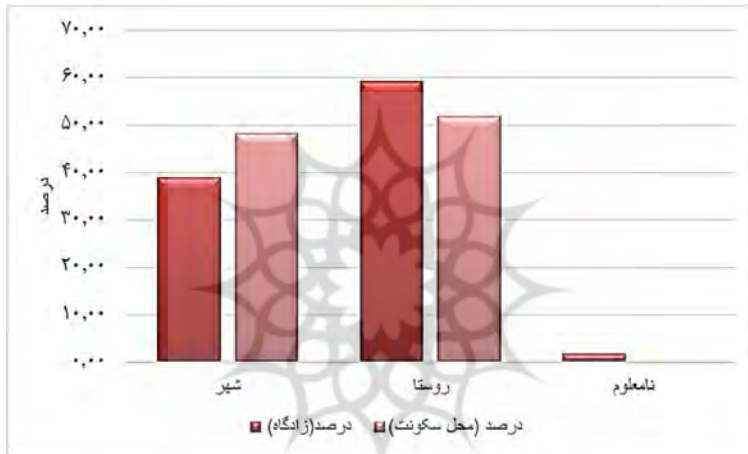
بررسی وضعیت تحصیلی گروه مورد مطالعه نشان می دهد که اکثریت آنها با ۳۳/۳۳ درصد (معادل ۱۸ نفر) بی سواد هستند و ۵/۵۶ درصد (معادل ۳ نفر) دارای مدرک تحصیلی کارشناسی هستند.

بر اساس نتایج به دست آمده از بررسی وضعیت تاهل زنان مورد مطالعه، ۶۸/۵۲ درصد (معادل ۳۷ نفر) متأهل، ۱۶/۶۷ درصد (معادل ۹ نفر) همسرشان فوت شده و

۱۲/۹۶ درصد (معادل ۷ نفر) از همسر خود جدا شده اند، یک نفر نیز (معادل ۱/۸۵ درصد) مجرد می باشد.

از بین زنان مورد بررسی، ۵۹/۲۶ درصد (معادل ۳۲ نفر) متولد روستا و ۳۸/۸۹ درصد (معادل ۲۱ نفر) متولد شهر بودند و یکی از آنها در کودکی والدین خود را از دست داد و محل تولد خود را به خاطر ندارد (نمودار شماره ۱).

پس از بررسی محل سکونت فعلی زنان به این نتیجه رسیدیم که ۴۲/۵۹ درصد از آنها ساکن شهر رشت و مابقی از شهرها و روستاهای اطراف، برای فروش کالا به شهر رشت رفت و آمد می کنند (نمودار شماره ۱).



نمودار شماره ۱- محل تولد و سکونت زنان مورد مطالعه
مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان

۲-۴- ویژگی عمومی مسکن زنان مورد مطالعه

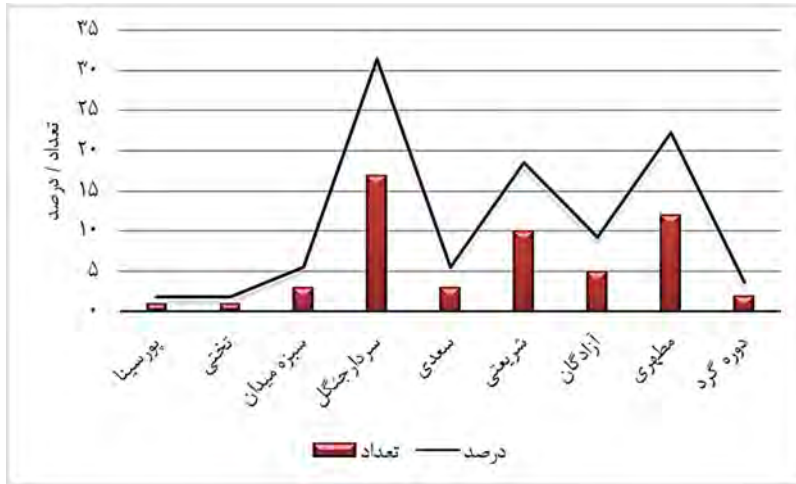
در این بخش به بررسی نوع مالکیت و مساحت محل سکونت زنان مورد مطالعه، پرداخته شده است. پس از بررسی های انجام شده، مشخص شد که اکثریت زنان مورد بررسی معادل ۴۲/۵ درصد (۲۳ نفر)، دارای منزل شخصی در اطراف شهر رشت (روستاها، شهرهای مجاور و حاشیه شهر) می باشند که ارزش زمین و مسکن در این مناطق بسیار

پایین تر از شهر رشت است. همچنین، پس از بررسی های صورت گرفته مشخص شد مسکن ۵۵/۵۶ درصد (معادل ۳۰ نفر) از زنان مورد مطالعه مساحت کم تر از ۱۰۰ مترمربع دارند.

۴-۳- ویژگی شغلی زنان مورد مطالعه

برای بررسی ویژگی شغلی زنان مورد مطالعه، نوع و روش تهیه کالا و همچنین خیابان های جذاب جهت فروش کالا مورد ارزیابی قرار گرفته است. با توجه به اینکه محدوده مورد مطالعه مساحت کمی (۵/۶ درصد) از مساحت کل شهر را شامل می شود ولی به نظر می رسد وجود خیابان های اصلی و پرتردد شهر و همچنین پیاده روهای شلوغ در این محدوده باعث شده تا تعداد زیادی از افراد شاغل در بخش غیررسمی به ویژه زنان در این محدوده اقدام به فروش کالا در خیابان کنند مشاغل شناسایی شده در این محدوده بر اساس نوع و مشابهت به ۷ گروه کلی دسته بندی شدند. ۳۲ نفر از زنان مورد مطالعه (معادل ۵۹/۲۶ درصد) به فروش سبزیجات و مواد غذایی محلی و فاسد شدنی مشغول هستند.

حدود ۵۷/۴۱ درصد از آنها کالاهای فروشی خود را از بازارهای محلی سایر شهرها و روستاها خریداری کرده و سایر آنها محصولات خود را در رشت به فروش می رسانند. پس از بررسی همه خیابان های محدوده مورد مطالعه این نتیجه حاصل شد که ۸ خیابان مستعد برای این زنان جهت فروش کالایشان می باشد که خیابان سردار جنگل با ۳۱/۴۸ درصد (معادل ۱۷ نفر) و بعد از آن خیابان مطهری ۲۲/۲۲ درصد (معادل ۱۲ نفر) زنان بیش تری را برای فروش کالا به خود جذب کرده اند (نمودار شماره ۲) و (شکل شماره ۲).



نمودار شماره ۲- خیابان های مستعد دست فروشی زنان
 مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان



شکل شماره ۲- خیابان های مستعد دست فروشی زنان
 مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان

۵- نتیجه گیری:

امروزه با افزایش رو به تزاید جمعیت شهرنشین، اشتغال غیررسمی زنان در سطح شهر به عنوان نیمی از جمعیت شهری واقعیتی انکارناپذیر است. فروشندگان خیابان یکی از انواع شاغلین غیررسمی در سطح جهان است که در بین این شاغلین زنان که محصولات گوناگونی در خیابان های شهر به فروش می رسانند تا معاش خانواده را بگذرانند از اهمیت قابل توجهی برخوردارند. این پژوهش با مطالعه ویژگی های زنان فروشنده در خیابان در منطقه دو شهر رشت به نتایج قابل توجهی دست یافت که مهم ترین آنها به شرح زیر است:

۱- جهت مشخص کردن ویژگی های اجتماعی زنان شاغل در بخش غیررسمی، از شاخص های سطح سواد خود و همسرشان، وضعیت تأهل، چگونگی گذران اوقات فراغت استفاده شده است و بررسی ها نشان داد که بین سطح سواد زنان مورد مطالعه و اشتغال آنها در این بخش رابطه معکوس وجود دارد و هر چقدر سطح سواد آنها بیش تر، میزان اشتغالشان در این بخش کم تر خواهد بود. اکثریت این زنان بی سواد هستند و برای کمک به همسر جهت تأمین مخارج زندگی اقدام به کار در سطح خیابان می کنند، همچنین ۴۸/۱۵ درصد از آنها اوقات فراغت خود را هم صرف کارهای منزل و وظیفه مادری می کنند و ۱۹/۴۴ درصدشان نیز اوقات فراغت خود را صرف کارهای مربوط به شغل خود مثل کاشت سبزیجات جهت فروش آنها می کنند. همچنین بررسی سطح سواد همسران آنها نشان داد که رابطه عکس بین سطح سواد همسر و اشتغال زنان در این بخش وجود دارد و بیش از نیمی از آنان بی سواد و کم سواد هستند.

در بررسی ویژگی های اقتصادی آنها از شاخص های نوع وسیله نقلیه مورد استفاده برای رفتن به محل کار، میزان سود فروش کالا در طول روز، مالکیت محل سکونت، مساحت واحد مسکونی، میزان درآمد همسر استفاده کردیم و مشخص شد که سود کالای فروشی اکثریت آنها در طول روز کم تر از ۴۰ هزار تومان می باشد و بیش از نیمی از آنها به تنهایی و از طریق همین شغل مخارج زندگی خانواده خود را تأمین می کنند و اکثریت زنان مورد بررسی با تاکسی و حمل و نقل عمومی به محل کار می روند. همچنین بیش از نیمی از آنها دارای منزل شخصی در اطراف شهر (حاشیه شهر، روستا و شهرهای اطراف) هستند.

۲- بر اساس طرح جامع شهر رشت (شرکت مهندسی طرح کاوش، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۹)، محدوده بازار اصلی شهر، شامل خیابان های امام خمینی، مطهری، حاجی آباد، شریعتی می باشد که به صورت گسترده در بافت قدیمی شهر نفوذ کرده است و در منطقه دو شهر (محدوده مورد مطالعه) واقع شده است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که خیابان های جذاب برای فروش کالای زنان مورد مطالعه، به ترتیب شامل خیابان های سردار جنگل، مطهری، شریعتی، آزادگان، سعدی و سبزه میدان می باشد. این نقاط، خیابان های اصلی و قدیمی شهر را شامل می شود که دارای بیش ترین کاربری تجاری و اداری نسبت به بقیه نقاط شهر هستند و اغلب عملکرد فرامنطقه ای و شهری دارند و متقاضیانی از تمام شهر به آن مراجعه می نمایند. بازار اصلی و قدیمی شهر در خیابان شریعتی واقع شده و کاربری های تجاری واقع در راستای خیابان های اصلی به عنوان مکمل بازار اصلی شهر عمل می کنند. بنابراین این خیابان ها به عنوان نقاط جذاب برای زنان مورد مطالعه جهت فروش کالا انتخاب می شوند.

۳- محل تولد ۲۰/۳۷ درصد از آنها در شهر رشت و مابقی از شهرها و روستاهای اطراف رشت و حتی استان های دیگر (۳ نفر از شهر بابل، ۱ نفر از تهران و ۱ نفر هم از آبادان) است. آمار به دست آمده نشان دهنده مهاجر بودن ۷۹/۷۳ درصد از زنان فروشنده در خیابان می باشد. محل سکونت فعلی بیش از نیمی از آنها شهرستان رشت (شهر رشت و سایر بخش های آن) و مابقی نیز از سایر شهرها و روستاهای استان گیلان جهت کار به شهر رشت مراجعه می کنند (شکل شماره ۳).

با توجه به اینکه جمعیت مورد مطالعه برای فرار از فقر و تامین مخارج زندگی به این شغل روی آوردند و همچنین اشتغال آنها در این بخش باعث کم شدن بزهکاری در سطح شهر می شود لازم است تا مسؤولین شهری با به رسمیت شناختن فعالیت اقتصادی آنها در سطح شهر به این بخش توجه بیش تری نشان دهند و پیشنهاد می شود بازارچه ای در سطح شهر جهت سامان دادن زنان فروشنده در خیابان احداث شود.



شکل شماره ۳- موقعیت محل سکونت جمعیت مورد مطالعه در شهرستان های استان گیلان
 مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ:

- ۱) اسفندیاری، ع، پدرام، م، مجدم، ص. ۱۳۹۲. اقتصاد غیررسمی، خانه داری زنان و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی زنان متأهل شهر اهواز). مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، ۱۱ (۴): ۹۱-۱۱۴.
- ۲) پورتال منطقه دو شهرداری رشت. ۱۳۹۴. دستیابی در ۲۲-۲-۱۳۹۴. mant2.rasht.ir
- ۳) جمالی، ف، صدر موسوی، م، لیوارجانی، پ. ۱۳۸۸. بررسی ویژگی های اجتماعی- اقتصادی شاغلان بخش غیررسمی در مادرشهر تبریز (نمونه موردی سبزه میدان). نشریه جغرافیا و برنامه ریزی (دانشگاه تبریز)، ۱۴ (۲۹): ۸۷-۱۱۵.
- ۴) رنانی، م، اربابیان، ش، میرزایی، م. ۱۳۹۰. شناخت ساختار اشتغال زنان در بخش غیررسمی کشور. فصلنامه تحقیقات اقتصادی راه اندیشه. (۱): ۳۸-۶۲.
- ۵) رنانی، م، میرزایی، م، اربابیان، ش. ۱۳۹۱. بخش غیررسمی و ظرفیت مالیاتی از دست رفته (مطالعه موردی: استان کهگیلویه و بویراحمد). فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی- ایرانی)، ۱۲ (۴۴): ۹۹-۱۳۰.
- ۶) سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۸۵. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان رشت.
- ۷) سلیمی فر، م، کیوانفر، م. ۱۳۸۹. اقتصاد غیررسمی در ایران و اثر تورم بر آن. مجله دانش و توسعه، ۱۷ (۳۳): ۱-۲۷.
- ۸) شرکت مهندسی طرح کاوش. ۱۳۸۶. طرح جامع شهر رشت. جلد هفتم (فصل دوم- بخش دوم). رشت: وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان مسکن و شهرسازی استان گیلان).
- ۹) صفایی گنجین، م. ۱۳۸۴. کار شایسته و اقتصاد غیر رسمی. مجله کار و جامعه. (۶۲): ۴۴-۴۷.
- ۱۰) ضابط محبوب، ح، امین زاده، ب، برنافر، م. ۱۳۹۴. توزیع تراکم جمعیت در شهر رشت با استفاده از روش AHP. فصلنامه آمایش محیط. ۸ (۲۸): ۱-۲۲.
- ۱۱) کاظمی پور، ش. ۱۳۸۵. تحولات اخیر و آینده وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران با تأکید بر وضعیت اشتغال زنان. نامه انجمن جمعیت شناسی ایران. (۱): ۲۰-۴۲.

- ۱۲) مشکینی، ا، موذن، س، ۱۳۹۴. تحلیل حکمروایی مطلوب شهری در پایداری شهرها مطالعه موردی: شهر عجب شیر. فصلنامه آمایش محیط. ۸(۲۹): ۹۹-۱۳۲.
- ۱۳) نامدار، م. ۱۳۸۹. عوامل موثر بر اشتغال زنان همراه با ورود فناوری های نوین به عرصه اقتصاد روستایی: مطالعه موردی کمباین داران استان فارس. فصلنامه روستا و توسعه. ۲(۲): ۱۰۳-۱۲۸.
- ۱۴) نساجی، ز. ۱۳۸۴. زنان، اشتغال، خانواده. فصلنامه درسهایی از مکتب اسلام. ۶(۶): ۶۷-۵۶.
- ۱۵) نوری، ه، جمینی، د، جمشیدی، ع. ۱۳۹۲. تحلیل فضایی شاخص های عمده اشتغال زنان در کشور. مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان. ۱۱ (۳): ۸۱-۱۰۲.
- 16) Alter Chen, M. 2013. Women in thr informal sector: A Global picture, the Global movement. WIEGO.1-10.
- 17) Bromley, R. 1978. Introduction -The Urban Informal Sector:Why Is It Worth Discussing ?. Pergamon Press. 6 (9/10): 1033-1039.
- 18) Gërkhani, K. 1999. The Informal Sector in Developed and Less Developed Countries A Literature Survey. Amsterdam Institute for Advanced Labor Studies (AIAS). 1-43.
- 19) Hussmanns, R. 2004. Measuring the informal economy: From employment in the informal sector to informal employment. Working Paper. (53): 1-32.
- 20) ILO. 1972. Employment, Income and Equality: A Strategy for ILO.
- 21) Mahadevia, D, Vyas, S, Mishra, A. 2014. Street Vendors in Ahmedabad, India. IEMS (Informal Economy Monitoring Study). March. Accessed 1393-11-12. www.wiego.org.
- 22) Nastiti, A, Prabaharyaka,I, Roosmini, D, Dermawan Kunaefi,T, 2012. Health-associated Cost of Urban Informal Industrial Sector:An Assessment Tool. Social and Behavioral Sciences. (36): 112-122.
- 23) Roever, S. 2011. Women in Informal Employment: Globalizing and Organizing. How to Plan a Street Trader Census. February. Accessed 1393-11-23. www.wiego.org.
- 24) —. 2012. IEMS (Informal Economy Monitoring Study.The Urban Informal Workforce: Street Vendors. Accessed 1393-12. http://wiego.org/.
- 25) —. 2014. IEMS (Informal Economy Monitoring Study). Sector Report: Street Vendors. April. Accessed, 1394-01-08.

www.wiego.org.

- 26) Tomal, A, Johanson, L, 2008. Earnings determinants for self-employed women and men in the informal economy: the case of Bogota, Colombia. Pi Gamma Mu. 83 (1/2): 71-84.
- 27) V. Ramani, Sh, Thutupalli, A, Medovarszki, T, Chattopadhyay, S, Ravichandran, V, 2013. Women in the Informal Economy: Experiments in Governance from Emerging Countries. Policy Brief (United Nations University).
- ۲۸) Vanek, J, Alter Chen, M, Carré, F, Heintz, J, Hussmanns, R, 2014. Statistics on the Informal Economy: Definitions, Regional Estimates & Challenges. April. Accessed, 1393-12-22. <http://wiego.org>.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتمال جامع علوم انسانی